

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۴ اکتوبر ۲۰۲۲

شعار دانشجویان: «بهش نگین اعتراض، اسمش شده انقلاب»

وضعیت در دانشگاه صنعتی شریف و اطراف آن روز یکشنبه به شدت ملتهب شد. یورش یگان ویژه بیت خامنه‌ای به تظاهرات روز یکشنبه دانشجویان دانشگاه شریف، تیراندازی به سوی دانشجویان، پرتاب گاز اشک آور و محاصره آن‌ها در محوطه دانشگاه، به سرعت در سطح شهر تهران منتشر شد. دانشجویان محاصره شده تقاضای کمک کردند و بسیاری از مردم برای یاری از آن‌ها به سوی دانشگاه صنعتی حرکت کردند.

در اغلب کشورهایی که حکومت‌های دیکتاتوری حاکمند و مردم از آزادی بیان و اندیشه و تشکلهای مستقل و مبارزه مدنی محرومند، جنبش دانشجویی پرچمدار مبارزه با استبداد را عهده‌دار می‌شود.

در ایران نیز جنبش دانشجویی، اغلب پرچم اعتراض‌های سیاسی را در اوج خفقان و اختناق برافراشته و همواره به‌عنوان جنبشی پر قدرت و پویا، دست به اعتصاب و اعتراض زده است.

در این روزهای حساس تاریخی، ویدئوهایی از تجمعات اعتراضی و اعتصاب و شعارهای دانشگاه‌های شیراز، تهران (از جمله علم و صنعت، بهشتی، تهران و چندین دانشگاه دیگر)، اصفهان، کردستان، زنجان، کرمانشاه، مشهد، نجف آباد، شهر قدس، مازندران، یزد و کرمان، منتشر شده است.

در دانشگاه اصفهان، جمعیت انبوه دانشجویان با شعار «مرگ بر دیکتاتور» و شکستن درب‌های دانشگاه که بر روی آن‌ها قفل شده بود، به خیابان آمدند. در دانشگاه بهشتی مراسم «مقنعه سوزی» برگزار گردید.

شعارهایی که در تظاهرات دانشجویان شنیده می‌شود: «زن، زندگی، آزادی»، «آزادی، آزادی، آزادی!»، «بهش نگین اعتراض، اسمش شده انقلاب»، «اوین شده دانشگاه، ایران شده بازداشتگاه»، «قرار ما هر روزه، فکر نکنین امروزه»، «می‌کشم می‌کشم، هر آن که خواهرم کشت». «ملت چرا نشست، منجی ما تو هستی»، «مرگ بر دیکتاتور»، «می‌جنگیم، می‌میریم، ایران و پس می‌گیریم»، «زندانی سیاسی، دانشجویان زندانی، آزاد باید گردد»، «حسین حسین شعارتون، دروغ و دزدی کارتون»، «زاهدان، کردستان، چشم و چراغ ایران»، فقر و فساد و بی‌داد، مرگ بر این استبداد... و...

گزارش‌های متعدد از حرکت اتوموبیل‌ها به سوی دانشگاه صنعتی خبر می‌داد. با وجود بسته شدن راه‌های ورودی به سوی دانشگاه، توسط پلیس و اوباش مسلح حکومتی، بخشی از مردم خود را به مقابل دانشگاه رساندند. در ویدئوهای منتشر شده ماموران حکومت در اطراف دانشگاه‌ها تیراندازی می‌کنند و جمعیت شعار مدهد: «دانشجو را رها کن!»

گزارش‌های دقیقی از داخل دانشگاه منتشر نشده است. شورای صنفی دانشجویان کشور از بازداشت‌ها ده نفر و محاصره ده‌ها نفر دیگر در دانشگاه توسط پلیس و لباس شخصی‌های مسلح خبر داده است.



رئیس دانشگاه شریف حدود ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه در گفت‌وگو با خبرگزاری‌ها گفت، تجمع تمام شده، دانشجویان از دانشگاه خارج شده‌اند و در حال حاضر دانشجویی در دانشگاه حضور ندارد، مگر دانشجویهایی که در آزمایشگاه‌ها در حال انجام امور تحقیقاتی خود هستند.

این ادعا در شرایطی مطرح شده که یک ویدئو نشان می‌دهد تعدادی از دانشجویان را در حالی که سر و صورت آن‌ها را پوشانده بودند به یک ون پلیس منتقل و آن‌ها را به پادگان یگان امداد افسریه منتقل کرده‌اند. در تهران در خیابان شریعتی، ولی عصر، متروی شریعتی، اتوبان نیایش، و همچنین در شهرهای اصفهان، کرمانشاه، سنندج، قم، شهر کرد، مشهد، سقز مردم بار دیگر به خیابان آمده‌اند. در همه اعتراضات فریاد «مرگ بر دیکتاتور» طنین‌انداز بوده است.

کابری در توئیتر روایت یکی از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف را که روز یکشنبه در این دانشگاه حضور داشته، تصویر کرده است: «ما توی کتابخونه بودیم، پنجره‌ها باز بود. یکی از لباس شخصی‌ها کتابخونه رو به رگبار (تیر ساچمه‌ای احتمالاً) بست، چندتا بچه‌ها تیر خوردن، یک نفر هم خورد به چشمش که از چشمش خون می‌ومد.» کانال تلگرامی «توئیتر دانشگاه تهرانی‌ها» خبر از حضور گسترده لباس شخصی‌ها در اطراف دانشگاه تهران داد که با ساچمه و گلوله‌های پلاستیکی به دانشجویان تیراندازی کردند. این کانال همچنین خبر از دستگیری ۱۰۰ دانشجو و استاد دانشگاه شریف داده است.

در ساعات پایانی یکشنبه شب، زلفی گل، وزیر علوم دولت ابراهیم رئیسی هم در بین دانشجویان حاضر شد اما او هم، دانشجویان را تهدید کرد که وقتی کارهای غیرقانونی انجام می‌دهید طبیعی است که با برخورد نیروهای امنیتی نیز روبه‌رو می‌شوید.

ادامه شرایط ناگوار و ترسناک در دانشگاه شریف و اعزام گسترده نیروهای امنیتی به این دانشگاه موجب شد تا گروهی از شهروندان خیابان‌های منتهی به این دانشگاه را مسدود کنند تا از حضور بیشتر نیروهای سرکوب جلوگیری کنند. همچنین تجمعاتی نیز در مجاورت در اصلی دانشگاه شریف در خیابان آزادی ایجاد شد که نیروهای امنیتی آن‌ها را سرکوب کردند.

هنوز آمار دقیقی از افراد مجروح و همچنین دستگیرشدگان دانشگاه صنعتی شریف در دست نیست و خانواده‌های دانشجویانی که بازداشت شده‌اند از سرنوشت فرزندان خود نگرانند.

جنبش دانشجویی در دو حکومت‌های پهلوی، به‌ویژه از ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ تا اعتراض‌های ماه‌های پس از انقلاب ۵۷، ۱۸ تیر ۱۳۷۸، ۲۵ خرداد ۱۳۸۸، دی ماه ۱۳۹۶، آبان ۱۳۹۸ و اکنون جنبش سراسری جامعه ایران با شعارهایی همچون «زن - زندگی - آزادی»، «جمهوری اسلامی نمی‌خوایم - نمی‌خوایم»، «نان - کار - آزادی» و... در صحنه فرهنگی و اجتماعی و سیاسی کشور پیش‌گام و فعال بوده و با افت و خیزهایی نقش خود را به عنوان یک جنبش اجتماعی، به‌خوبی ایفا کرده است. بنابراین، جنبش دانشجویی، جنبشی پرتوان و بالنده است.

جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی در تغییر و تحولات سیاسی و انقلاب‌ها نقش به سزایی دارند. جنبش دانشجویی ایران، تاکنون تاریخ پر فراز و نشیبی را هم در حکومت پهلوی و هم در حکومت اسلامی از سر گذرانده است و به همنی دلیل این جنبش، از تجارب مبارزاتی زیادی برخوردار است.

بر اساس گزارش شورای صنفی، این تجمع در ادامه به ورودی دانشگاه کشیده شد، اما نیروهای بسیج و لباس‌شخصی با حضور پرتعداد تجمع را برهم زدند و تصویر دانشجویان معترض را ثبت کردند.

همچنین این تجمع در شرایطی برگزار شد که دانشگاه در محاصره نیروهای امنیتی قرار داشت و دانشجویان حق عبور و مرور به دانشگاه را نداشتند.

علاوه بر دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، جمعی از دانشجویان دانشگاه چمران اهواز نیز اعلام کردند صبح روز دوشنبه چهارم مهر در حیاط دانشکده مهندسی این دانشگاه برای حمایت از اعتراض‌های مردم ایران تجمع و تحصن مسالمت‌آمیز خواهند داشت و از شرکت در کلاس‌های درس، آزمایشگاه و کتابخانه خودداری می‌کنند.

این دانشجویان از استادان و کارکنان دانشگاه نیز خواستند به اعتصاب و اعتراض مسالمت‌آمیز دانشگاهیان بپیوندند و کلاس‌های درس را تعطیل و رسماً اعلام موضع کنند.

شورای صنفی دانشگاه صنعتی سهند تبریز نیز ضمن تحریم کلاس‌های مجازی از اعتصاب غذای دانشجویان در خوابگاه خبر داد.

در همدان نیز، جمعی از دانشجویان دانشگاه بوعلی‌سینا همدان از تحریم کلاس‌ها خبر دادند و در بیانیه‌ای «سرکوب ناجوانمردانه اعتراضات مسالمت‌آمیز در داخل دانشگاه‌های کشور و همچنین دستگیری غیرقانونی و بدون تفهیم اتهام جمعی از دانشجویان و جایگزینی ناگهانی و توهین‌آمیز آموزش مجازی به جای آموزش حضوری در تمامی کلاس‌ها و مقاطع در شرایطی که شبکه اینترنت با اختلال گسترده مواجه است» را محکوم کردند و آن را «اهانت آشکار به دانشجویان» دانستند.



دانشگاه‌های شیراز و نوشیروانی بابل، نیز جزو دانشگاه‌هایی بودند که تجمع دانشجویان در آن‌ها به خشونت کشیده شد و نیروهای امنیتی تعدادی از دانشجویان معترض را بازداشت کردند.

همچنین با افزایش تجمع‌های اعتراضی در دانشگاه‌ها، مقام‌های دانشگاه تصمیم گرفتند که به بهانه «رعایت حال دانشجویان غیر بومی» کلاس‌های درس را از حضوری به مجازی تغییر دهند تا دانشگاه‌ها خلوت شود.

فراخوان دانشجویان به تحصن در دانشگاه‌ها: از رفتن به کلاس درس خودداری می‌کنیم. دانشجویان چندین دانشگاه در ایران گفته‌اند تا آزادی دانشجویان بازداشت شده و برچیده شدن سایه نهاد امنیتی از دانشگاه‌ها از رفتن به کلاس درس خودداری خواهند کرد.

دانشگاه‌ها در شهرهای شلوغ کلاس‌های حضوری را تعطیل کردند و به دانش‌آموزان که باید مدرسه را شروع می‌کردند گفته شد هفته بعد سر کلاس بروند.

در کانال تلگرامی «روزنامه شریف» نام این اساتید به‌عنوان کسانی که «در اعتراض به دستگیری دانشجویان اعلام کرده‌اند که از برگزاری کلاس خودداری می‌کنند»، منتشر شده است.

اساتید دیگری از این دانشگاه نیز در تویتر اعلام کرده‌اند که کلاس‌شان برگزار نمی‌شود. دانشگاه صنعتی شریف در روزهای اخیر همانند بسیاری دیگر از دانشگاه‌ها محل اعتراض و تجمع دانشجویان به مرگ مهسا امینی و همراهی با اعتراضات مردمی بود. در روزهای اخیر اخباری مبنی بر حضور لباس شخصی‌ها در محوطه این دانشگاه و گرفتن فیلم و عکس از چهره دانشجویان معترض منتشر شد. این دانشگاه پیش‌تر اعلام کرده بود که کلاس‌هایش به‌صورت مجازی تشکیل می‌شوند.

همزمان با فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان، دانشجویان در چند دانشگاه نیز اعلام کردند از رفتن به کلاس درس خودداری و در دانشگاه تحصن می‌کنند.

در همین راستا، شورای صنفی دانشگاه صنعتی شریف در تهران سوم مهر در اطلاعیه‌ای از دانشجویان خواست «تا زمانی که تکلیف دانشجویان بازداشت شده روشن نشده است»، از حضور در کلاس‌های درس خودداری کنند.

از نخستین روز بازگشایی دانشگاه‌ها در سال تحصیلی جدید، دانشجویان در دانشگاه‌های هنر، تهران، علامه، بهشتی، امیرکبیر و شریف به سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت اعتراض کرده‌اند. نیروهای امنیتی نیز طی روزهای گذشته ده‌ها تن از فعالان دانشجویی را در نقاط مختلف بازداشت کرده‌اند و همزمان وزارت علوم تشکیل حضوری کلاس‌های درسی را به تعویق انداخته است تا مانع شکل‌گیری اعتراضات دانشجویی شود.

دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی تهران در اعتراض به این تصمیم گفته‌اند که اجازه نمی‌دهند در دانشگاه به روی دانشجویان بسته بماند و در اعتراض به این تصمیم از رفتن به کلاس‌های درس خودداری می‌کنند.

دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی خطاب به استادان دانشگاه‌ها هم نوشتند:

«سکوت شما بر شعله این آتش که نهاد امنیتی بر پیکر دانشگاه انداخته است خواهد افزود. دعوت می‌کنیم ضمن اعلام موضع در قبال شرایط موجود، با دانشجویان و فعالان دربند اعلام همبستگی کرده و تا زمان آزادی دانشجویان بازداشتی و حذف سایه نیروی امنیتی از دانشگاه‌ها و احقاق مطالبات و حقوق دانشجویی به تحریم کلاس‌های مجازی بپیوندند.»

جمعی از دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان هم اعلام کردند در اعتراض به «سرکوب ناجوانمردانه اعتراضات مسالمت‌آمیز برگزار شده داخل دانشگاه‌ها»، «دستگیری جمعی و بدون تفهیم اتهام دانشجویان» و «جایگزینی ناگهانی و

توهین‌آمیز آموزش مجازی به جای آموزش حضوری در شرایطی که شبکه اینترنت با اختلال گسترده روبه‌رو است»، از شرکت در کلاس‌های درس خودداری می‌کنند.

این دانشجویان از سایر دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها نیز خواستند «قبول مسئولیت» کنند و «تا احقاق حقوق دانشجویان و برچیده شدن فضای امنیتی و رفع اختلال اینترنت به تحریم سراسری کلاس‌های درس بپیوندند». جمعی از دانشجویان دانشگاه چمران نیز در اطلاعیه‌ای همین خواسته‌ها را تکرار کردند و با دعوت از دانشجویان و استادان به موضع‌گیری در برابر سرکوب معترضان، اعلام کردند از حضور در کلاس‌های درس خودداری می‌کنند. دانشجویان دانشگاه چمران اهواز همچنین اعلام کرده‌اند روز دوشنبه چهارم مهر از ساعت ۱۱ صبح در حیاط دانشکده مهندسی دانشگاه «برای حمایت از اعتراض‌های مردم ایران تجمع و تحصن مسالمت‌آمیز خواهند داشت و از شرکت در کلاس‌های درس، آزمایشگاه و کتابخانه خودداری می‌کنند».

در تهران نیز دانشجویان دانشگاه الزهرا، توانبخشی علوم بهزیستی، خوارزمی، علم و فرهنگ، علنامه طباطبایی و دانشگاه تهران و همچنین دانشگاه هنر و سوره نیز گفته‌اند از شرکت در کلاس‌های درس خودداری می‌کنند. در حالی‌که حکومت از ترس تجمع در دانشگاه‌ها، کلاس‌ها را به فضای مجازی منتقل کرده، جو دانشگاه‌ها امنیتی شده است. حراست دانشگاه‌ها به شدت ورود و خروج به فضای داخل دانشگاه‌های، تهران، شهید بهشتی (ملی سابق) و شریف را کنترل می‌کند. ورود و خروج تنها با چک کردن کارت شناسایی ممکن است. از کارت شناسایی دانشجویان در حین خروج از درهایی دانشگاه عکس می‌گیرند. کنار نیروهای حراست، نیروهای لباس شخصی هم حضور دارند. در روز دوشنبه دوم مهر، بسیج دانشجویی که یک تشکل حکومتی است در دانشگاه شریف برای محکوم کردن اعتراضات به قتل مهسا (ژینا) امینی، تجمع برگزار کرد. دانشجویان مستقل به اینکه دانشگاه آملی‌تأثیر تأتش را در اختیار بسیجیان قرار داده معترض شدند. حراست درهای دانشگاه را بست و برای خروج از دانشجویان کارت شناسایی می‌خواستند. برخی از گزارش‌ها حاکی از بازداشت چند دانشجو بیرون در دانشگاه است اما زمانه هنوز نتوانسته مستقلاً هویت و یا تعداد بازداشتی‌ها را مسند کند.

ورود و خروج به دانشگاه تهران هم کنترل‌شده بود و مقابل یکی از درهای ورودی، نیروهای حکومتی و مأموران نیروی انتظامی به دانشجویانی که می‌خواستند وارد دانشگاه شوند حمله کردند. در یکی از ویدئوها یک مأمور لباس شخصی، یک دانشجوی دختر را به روی زمین می‌کشد و دانشجو هم او را کثافت خطاب می‌کند. در دانشگاه شهید بهشتی هم با این‌که تجمعی شکل نگرفت جو امنیتی بود و درهای دانشگاه را به روی دانشجویان بسته بودند.

کانال تلگرامی «روزنامه شریف» که اخبار دانشگاه صنعتی شریف تهران را منتشر می‌کند هم خبر از اعتراض برخی از اساتید این دانشگاه و لغو کلاس‌هایشان در اعتراض به دستگیری دانشجویان داده است.

شورای صنفی دانشجویان دانشگاه شریف نیز در نامه‌ای خطاب به دکتر جلیلی، رئیس و دکتر سعادت، معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی این دانشگاه، ضمن درخواست از مسئولین دانشگاه برای پیگیری وضعیت دانشجویان دستگیر شده و آزادی آن‌ها و از تصمیمات دوگانه دانشگاه در زمینه روی آوردن به آموزش مجازی انتقاد کرده بود و از دانشجویان خواسته بود در کلاس‌های درس شرکت نکنند.

این نهاد صنفی دانشجویان همچنین در نامه‌ای خطاب به حراست دانشگاه شریف نسبت به ورود نیروهای لباس شخصی و افرادی غیر از دانشجویان به دانشگاه اعتراض کرده بود.

براساس گزارش‌ها کلاس‌های دانشکده فیزیک شریف برای یک هفته تعطیل شده و گفته شده «دانشکده فیزیک از شرایط به وجود آمده برای دانشجویان دانشگاه کاملاً متأثر است.»

در نامه‌ای که خطاب به دانشجویان دانشکده فیزیک منتشر شده آمده که «همراهی با دانشجویان در این شرایط کاملاً ضروری است.»

در پایان هم ابراز امیدواری شده که «شرایط مناسبی برای زندگی و تحصیل برای دانشجویان و دانشگاهیان فراهم آید.» شش استاد دانشگاه شریف هم در اعتراض به برخوردهای روزهای اخیر با دانشجویان اعلام کرده‌اند که از برگزاری کلاس‌های درس خودداری می‌کنند.

یکی از این اساتید خطاب به دانشجویان نوشته است: «من به احترام شما عزیزان از تشکیل هرگونه کلاس مجازی مصلحتی قطعاً خودداری می‌کنم و تا آزاد شدن همه دانشجویان دستگیرشده از تشکیل کلاس حضوری نیز خودداری خواهم کرد.»



در هر صورت جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی نقش و جایگاه مهمی در جنبش‌های اجتماعی دارند. اکنون این جنبش بار دیگر به‌طور جدی و پیگیر وارد صحنه سیاسی ایران شده است.

هم‌اکنون می‌توانیم بگوییم که جنبش زنان و جنبش دانشجویی در صحنه حضور فعالی دارند. اکنون باید ببینیم جنبش کارگری و در پیشاپیش همه کارگران صنعتی در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی و ماشین‌سازی و غیره، کی و چگونه و در چه سطحی وارد صحنه پرتلاطم و حساس جامعه ایران خواهند شد.

بی‌تردید با ورود طبقه کارگر ایران به تحولات سیاسی اخیر، می‌توانیم به جرات بگوییم که تحولات ایران به معنای واقعی به فاز انقلابی ارتقا یافته و افق و چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای را در رابطه با سرنوشت کلیت حکومت اسلامی، و برپایی یک جامعه نوین بدون خشونت و سرکوب و سانسور مقابل جامعه ما قرار خواهد داد!

نقش نهادهای دموکراتیک، سازمان‌ها و حزاب سیاسی، مجموعه جنبش‌های اجتماعی، همواره مورد بحث و بررسی و تحلیل پژوهش‌گران حوزه علوم سیاسی و انسانی، به‌ویژه جامعه‌شناسان و کارشناسان علوم سیاسی بوده است.

در هر صورت دانشگاه و جنبش دانشجویی در طول تاریخ خود از عوامل تعیین‌کننده تحولات سیاسی-اجتماعی و از عمدمترین تعارضات اجتماعی-سیاسی فعال ایران امروز است. در حوزه نظریه‌پردازی جنبش‌های اجتماعی شکاف حکومت و دانشگاه از همان ماه‌های نخست پیروزی انقلاب ۵۷ آغاز شد به طوری که به فرمان خمینی دانشگاه‌های ایران بیش از دو تعطیل شدند. این شکاف تا به امروز ادامه دارد و اکنون جنبش دانشجویی بعد از سکوت چندین ساله، اکنون باز هم وارد مرکز ثقل تحولات سیاسی و اجتماعی ایران شده است.

در ایران هر چند دانشجویان و دانشگاهیان در طی چندین دهه نتوانسته‌اند به لحاظ علمی و فنی به موفقیت چشم‌گیری در پیشرفت و توسعه جامعه ایران دست یابند، اما از بعد اجتماعی و سیاسی، دانشگاه از بدو تاسیس همواره از جایگاه و ارزش ویژه‌ای برخوردار بوده است.

تأثیرپذیری جنبش اجتماعی دانشجویان در ایران از رویدادهای جهانی من جمله جنبش‌های دانشجویی در اروپا و آمریکا در دهه ۱۹۶۰ و حتی الگوپذیری از آن حرکت‌های اعتراضی، غیرقابل انکار است.

به‌نوعی می‌توان گفت سال ۱۳۰۹، سرآغاز حرکت‌های اعتراضی دانشجویان ایرانی علیه حکومت رضاخان پهلوی است. دانشجویان ایرانی مخالف مقیم اروپا با تشکیل کنگره‌ای در کلن، خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی و ایجاد جمهوری شدند و رضاشاه را «آلت دست امپریالیسم انگلیس» خواندند و در سال بعد نیز، جمعی از دانشجویان مقیم مونیخ که با اعضای باقی‌مانده فرقه کمونیست ایران همکاری نزدیکی داشتند، نشریه «پیکار» را منتشر کردند. اما در سال ۱۳۱۳، چندی پس از تاسیس دانشگاه تهران و ۱۳۱۵ اعتصاب‌هایی توسط دانشجویان پزشکی و تربیت معلم صورت گرفت. در سال ۱۳۱۶ نیز دانشجویان دانشکده حقوق در اعتراض به هزینه‌های بیهوده برای آماده ساختن دانشگاه جهت بازدید ولیعهد، در کلاس‌ها حاضر شدند، آن‌ها شکایت داشتند چرا اکنون که اکثر روستاها، امکانات آموزشی ندارند ولی بیش از ۱۲۰۰۰۰ ریال برای خرید ادکلن جهت معطر کردن سالن‌های دانشگاه هزینه شده است؟ در همان سال، ۲۰ فارغ‌التحصیل دانشگاه که بیش‌تر آن‌ها در حال گذراندن خدمت سربازی بودند، به جرم پشتیبانی از فاشیسم و توطئه برای قتل شاه بازداشت شده و رهبر گروه به‌طور پنهانی اعدام شد. مولف در یک تقسیم‌بندی کلی سه گرایش چپ، اسلامی و ملی در فاصله سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۰ شناسایی شدند که هر یک تحت تأثیر تحولات اجتماعی و سیاسی و به سبب نزدیکی با گرایش‌های فکری سیاسی موجود شکل گرفتند.

در سال‌های نخست وزیری مصدق جریان‌هایی چون «سازمان صنفی دانشجویان دانشگاه تهران» را علیه توده‌ای‌ها بسیج کرد. در سال‌های پیش از کودتای ۲۸ مرداد ما شاهد تظاهرات مکرر دانشجویان در حمایت از نهضت مقاومت ملی و علیه استبداد حکومت محمدرضا پهلوی هستیم که اوج آن در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ و اول بهمن ۱۳۴۰ در تاریخ ثبت شده است. در آن سال به دستور محمد درخشش وزیر فرهنگ دولت امینی، حدود ۱۵ تن از دانش‌آموزان به جرم ارتباط با سازمان جوانان جبهه ملی اخراج شدند و متعاقب آن کمک هزینه تحصیلی دانشجویان سال اول دانشسرای عالی نیز قطع شد و دانشجویان را بر آن داشت تظاهراتی را در اول بهمن ماه تدارک ببینند. این تظاهرات با سرکوب شدید نیروهای انتظامی مواجه شد و پس از گزارش ساواک مبنی بر اسائه ادب به مجسمه شاه، واحدهای چترباز و کماندوهای ارتش هم وارد عمل شدند که منجر به مجروح شدن ۶۰۰ دانشجو و وارد آمدن خسارات فراوان به دانشگاه شد. تلاش‌های جنبش دانشجویی در سال‌های تاسیس دانشگاه تا دهه ۱۳۴۰ با برخورد خشن و سرکوب حکومت مواجه شد تا جنبش دانشجویی را به سوی رادیکالیزه شدن و به طرف موضع‌گیری قهرآمیز و انقلابی کشاند.

روند تشدید سرکوب و اعمال حاکمیت مستبدانه توسط شاه تأثیر مستقیمی بر مهاجرت فعالان سیاسی و دانشجویان به اروپا و آمریکا داشت؛ به طوری‌که طی سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۴۷ حدود سی هزار نفر برای ادامه تحصیل از کشور خارج شدند و این تعداد از کل دانشجویان داخل کشور بیش‌تر بود، این تعداد در سال‌های پایانی عمر حکومت شاه از مرز صد هزار تن هم گذشت. کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا متشکل از فدراسیون‌های انجمن دانشجویان انگلستان، آلمان غربی و فرانسه در اتحادی با انجمن دانشجویان ایرانی در آمریکا پایه مهتم‌ترین تشکل دانشجویی خارج از کشور را که کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در خارج از کشور (اتحادیه ملی) را تشکیل دادند. نکته جالب آن‌که انجمن دانشجویان ایرانی در آمریکا از ابتدای تحصیل در سال ۳۱ تا سال ۳۹ از حمایت

کامل سفارت ایران و انجمن دوستان آمریکایی خاورمیانه برخوردار بود و حتی سالانه هجده هزار دلار بودجه در اختیار داشت. آن‌ها طی دیداری که شاه در سال ۳۷ از آمریکا داشت، او را به ریاست افتخاری سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا انتخاب کردند.

دانشگاه و جنبش دانشجویی به‌عنوان یکی از مهمترین جنبش‌های فعال جامعه از این قاعده مستثنی نیستند. هرچند دانشگاه‌ها از نهادهای بنیادین و ضروری در آموزش و پژوهش هستند، اما اگر دامنه تعبیر و تغییرپذیری نقش‌ها را نخستین اختیار عمل هر بازیگر اجتماعی بدانیم دانشجو، دانشگاه و اجتماعات دانشجویی به دلیل ساخت انتقادی و تبعیت از متدولوژی پرسش‌گری در قالب نقش‌های دیگر نیز نمایان خواهند شد. دانشجو هم‌زمان با فراگیری دانش و معلومات نسبت به محیط پیرامونی نیز واکنش نشان داده، حساسیت، اندیشه و رفتارهای سیاسی-اجتماعی خاصی را به نمایش می‌گذارد. در عین حال جنبش دانشجویی در کل از مفهوم و تعریف مشخصی برخوردار است. بررسی مراحل شکل‌گیری و تکوین جنبش در طول بیش از ۵ دهه حیات آن در کنار ارائه راهکارهای مناسب جهت ترسیم آینده‌ای روشن از جنبش دانشجویی تنها از طریق مطالعه آسیب‌شناسانه ممکن خواهد بود تا با یادآوری و نقد فعالیت‌های گذشته، دخالت همه‌جانبه و مسئولانه این جنبش در تحولات کنونی جامعه ایران، بیش‌تر برجسته می‌گردد.

در واقع حرکت جمعی دانشجویان در بستر تحولات سیاسی-اجتماعی ایران، «جنبش دانشجویی» نامیده می‌شود. دانشگاه را می‌توان یکی از مهمترین و اساسی‌ترین مراکز تولید علم و تربیت نیروی انسانی جهت رفع نیازهای جوامع متمدن در نظر گرفت. بنابراین، تحقق ارتباط دانشگاه و جامعه در گرو مبارزه پیگیر جنبش دانشجویی و اتحاد آن با جنبش‌های دیگر همچون جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش محیط زیست و ... است.

آشنایی ایرانیان با علوم آکادمیک جدید به سبک مدرن امروزی، به زمان حیات امیرکبیر و تاسیس دارالفنون بازمی‌گردد. هرچند پیش از آن نیز، عده‌ای شخصا یا به کمک حکومت‌ها جهت تحصیل دانش‌های نوین به خارج از کشور رفت‌وآمد داشتند اما تاسیس دارالفنون نقطه عطفی در نگرش ایرانیان به علوم جدید و پیریزی مراکز مربوطه محسوب می‌گردد. در حالی‌که دارالفنون تا حدود زیادی به دانشگاه‌های بعدی شباهت داشت اما نمی‌توان آن را دانشگاه به‌معنای امروزی نامید. مهمترین رویداد بعدی در این روند به تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ بازمی‌گردد.

عده‌ای از محققان معتقدند که ریشه‌های آغاز جنبش دانشجویی به قبل از تاسیس دانشگاه‌ها بازمی‌گردد و نخستین آغازکنندگان آن محصلین اعزامی به خارج از کشور در اواخر سلسله قاجار و اوایل دوره پهلوی بودند.

در دوره رضاشاه به دلیل اختناق بیش از حد او که دانشگاه را فقط به‌عنوان مرکزی جهت تولید متخصص مطیع می‌خواست دانشگاه نتوانست کارکرد دقیق و عمده‌ای در جامعه داشته باشد. با این وجود، در سال‌های پایانی سلطنت رضاشاه برخی اقدامات و اعتراضات محدود صنفی شکل گرفت که بیش‌تر مربوط به گروه ۵۳ نفر موسوم به «گروه ارانی» بود. این عده نیز با تمایلات آشکار مارکسیستی عملاً نتوانستند از نفوذ چندان موفقی در جامعه برخوردار شوند و نهایتاً با دستگیری و سرکوب شدید این گروه در سال ۱۳۱۷ تمام فعالیت‌های سیاسی و حتی صنفی دانشگاه متوقف و رکودی کامل بر دانشگاه‌ها حکمفرما شد. سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ و نسبتاً فضای باز سیاسی و اجتماعی در کشور به وجود آورد.

پسر رضاخان، محمدرضا نیز هنوز آن اندازه قدرت نداشت تا رویه حاکم پیشین را ادامه دهد. علاوه بر گرایش‌های مارکسیستی، آغاز و اوج‌گیری تحولات ملی‌شدن نفت به رهبری مصدق و کاشانی در دهه ۳۰ ش توانست در دانشگاه‌ها نیز طرفدارانی بیابد. این دانشجویان علاوه بر مبارزه و تلاش جهت تحقق خواست عمومی به‌منظور ملی‌کردن صنعت نفت هم‌زمان به‌صورت مانع بزرگی در افزایش و گسترش گرایش چپ بودند. وضعیت فوق

در دانشگاه‌ها در حالی جریان داشت که تا سال ۱۳۲۸ گرایش‌های ملی و مذهبی نسبت به چپ‌گرایان از عملکرد ضعیف‌تری برخوردار بودند. سرانجام در سال ۱۳۲۱ در واکنش به تبلیغات شدید طیف‌های ماتریالیست «انجمن اسلامی دانشجویان» و سپس «نهضت خدایرستان سوسیالیست» با ماهیت ضدکمونیستی شدید تشکیل شد. انجمن اسلامی دانشجویان در اوایل شکل‌گیری به ندرت در مبارزات سیاسی دخالت می‌کرد و تلاش خود را بر مباحث ایدئولوژیک و نظری استوار نموده بود. در خصوص جنبش دانشجویی دهه‌های ۲۰ و ۳۰ می‌توان گفت که دانشجویان غیرچپ‌گرا در مقایسه با دانشجویان، ضعف تشکیلاتی و سازماندهی بیشتری داشتند و به همین دلیل میزان تحرکات آن‌ها در دانشگاه‌ها چشم‌گیر نبود. در سال ۱۳۲۹ «سازمان صنفی دانشگاه تهران» جهت هماهنگی هرچه بیشتر فعالیت‌های این دانشجویان تشکیل شد.

با وقوع کودتای ۲۸ مرداد در سال ۱۳۳۲ و شکست نهضت ملی و قدرت‌گیری بیش‌تر شاه دوره جدیدی از فعالیت‌های دانشجویی آغاز شد که می‌توان آن را دوره «خشونت بار» فعالیت‌های جنبش نامید. پس از کودتا فضای نسبی آزادی‌های سیاسی تعطیل و جو اختناق و استبداد مجدداً حاکم گشت. این مساله در کنار شرایط و اوضاع جهانی و تبلیغات گسترده تفکرات چریکی چپ‌گرا منجر به ضعف تحلیل نیروهای درون دانشگاه گردید که ماحصل آن پدیدارشدن گروه‌های چریکی در جنبش دانشجویی بود.

شانزده آذر سال ۱۳۳۲، روزی که سه دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران (مصطفی بزرگنیا و احمد قندچی و آذر شریعت‌رضوی) توسط گلوله‌های نیروهای امنیتی حکومت پهلوی به‌خاک و خون غلطیدند. این روز کماکان توسط مردم آزادی‌خواه و برابری‌طلب به‌ویژه توسط دانشجویان چپ و رادیکال گرامی داشته می‌شود. ولی آنچه مسلم است جنبش دانشجویی از سال ۱۳۳۲ تا کنون فراز و نشیب‌هایی زیادی را طی نموده است.

در روزهای پس از کودتا «نهضت مقاومت ملی» که برآیند احزاب و دانشجویان ملی‌گرا بود تشکیل شد و با به‌راه انداختن تبلیغات علیه رژیم پهلوی و سازماندهی اعتصابات سعی کرد به اوضاع موجود واکنش نشان دهد. در مهر ۱۳۳۲ دانشجویان در اعتراض به دادگاه فرمایشی مصدق تظاهراتی برپا نمودند. چندی بعد در ۱۶ آذر دانشجویان در مخالفت با سفر نیکسون معاون وقت رئیس‌جمهور ایالات متحده به کشور دست به اعتراض گسترده زدند که این حرکت با یورش سربازان رژیم و قتل چند تن از فعالان دانشجو سرکوب گردید و ۱۶ آذر ۱۳۳۲ به نقطه عطف و نماد هویت جنبش دانشجویی مبدل گشت.

حکومت پهلوی متعاقب این جنایت، ساواک را تاسیس کرد و با شدت بخشیدن به اقدامات اطلاعاتی و پلیسی تمام اقدامات دانشگاه را تحت کنترل درآورد به نحوی که تا سال ۱۳۳۹ جنبش دانشجویی عملاً به محاق سکوت کشانده شد و فعالیت‌های آن از صدور اعلامیه و اطلاعیه‌ها فراتر نرفت. در این سال به دلیل قدرت‌گرفتن کندی در آمریکا و فشار وی بر شاه جهت اجرای برنامه‌های آمریکا در ایران، فضای نسبتاً آزادتری در کشور ایجاد شد. با این وجود، ضعف‌های گسترده ساختاری، اتخاذ تاکتیک‌های نامناسب و عدم استقلال دانشگاه از جریان‌ات بیرونی از جمله دلایلی بود که جنبش دانشجویی نتواند بر صحنه معادلات سیاسی این دوره تاثیر چندانی داشته باشد در این بین تنها طیف دانشجویی نزدیک به محفل امینی نخست‌وزیر وقت توانست در برخی مراکز قدرت نفوذ کند.

جنبش دانشجویی در سال ۱۳۵۶، ضمن برقراری ارتباط گسترده با مردم و رهبری آن، به معنای واقعی در قالب واژه «جنبش دانشجویی» وارد عمل شد و توانست در یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخی ایران به وظیفه خود یعنی انجام رسالت اجتماعی در همگامی با نیازهای واقعی جامعه پاسخ دهد. جنبش دانشجویی در پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، تاثیرگذار بود.

اعتصاب رانندگان کامیون‌ها و ادامه اعتصاب کارگران انبار نفت ری، تهران را به‌طور محسوسی با کمبود نفت و بنزین روبه‌رو کرده بود. در جایگاه‌های فروش بنزین، صف‌های طولانی اتومبیل دیده می‌شد و مردم برای گرفتن نفت و تامین سوخت منازل خود، جلو فروشگاه‌های نفت، صف‌های طولانی تشکیل داده بودند. هوای تهران، چندان سرد نیست. سخن مردم این است: «کمبودها، ما را خسته نمی‌کند. نهضت ادامه دارد»!

در رادیو و تلویزیون که به‌طور دربست در اختیار حکومت بود و اطلاعیه‌های حکومت نظامی را با آب و تاب پخش می‌کرد، اما عده زیادی از کارکنان با صدور بیانیهای خواهان بی‌طرفی کامل سیاسی رادیو و تلویزیون شدند. این در حالی است که تمام محوطه رادیو و تلویزیون را، کامیون‌های مسلح به مسلسل، و زره‌پوش‌ها محاصره کرده بودند. دانشگاه صنعتی تهران، که اکنون به «دانشگاه شریف» تغییر نام داده است، شاهد تظاهرات کم سابقه دانشجویانی بود که در محوطه دانشگاه، شعار «مرگ بر شاه» سر می‌دادند.

علاوه بر حضور خبرنگاران مطبوعات داخلی در اجتماعات مردمی، ده‌ها تن از خبرنگاران خارجی نیز، در نقاط مختلف تهران، به دنبال تهیه عکس و گزارش بودند.

دانشگاه تهران به مرکز بزرگی از اجتماع مردم تهران مبدل شده بود؛ سخنرانان، پیرامون فجایع حکومت شاه سخن می‌گفتند و شعارهای کوبنده «مرگ بر شاه» در فضای دانشگاه طنین افکن شده بود.

در واقع دهه چهل که اوج رشد و شکوفایی جنبش چپ در درون جنبش دانشجویی با ایجاد کنفدراسیون دانشجویان و محصلین خارج از کشور بود که نمود سیاسی خود را در انقلاب ۱۳۵۷ نشان داد.

پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران، جنبش دانشجویی سعی کرد به حفظ و تداوم آرمان‌های انقلاب بپردازد. با این وجود وضعیت دانشگاه‌های کشور در دو سال اول سپری شده از پیروزی انقلاب، مانند همه جنبش‌ها با تهاجم حکومت تازه به قدرت رسیده روبه‌رو شد. ایجاد فضای باز و آزاد سیاسی در پی پیروزی انقلاب اسلامی سبب شد، گرایش‌ات سوسیالیستی که پیش از پیروزی انقلاب با جریان اسلام‌گرا تضاد و تقابل عمده‌ای داشتند دست بالا را در محیط دانشگاه‌ها داشتند.

جنبش دانشجویی در این دوره، با تمام ضعف‌ها و تضادهای درونی، از دستاوردهای انقلاب دفاع می‌کرد و همچنان در کنار مردم انقلابی و آزادی‌خواه و برابری‌طلب بود. اما این وضعیت برای خمینی و طرفداران او قابل هضم نبود. به همین دلیل با تداوم فعالیت‌های گرایش‌ات چپ جنبش دانشجویی در دانشگاه، انقلاب فرهنگی به دستور امام در جهت پاکسازی و اسلامیزه کردن دانشگاه‌ها اعلام شد. این اقدام به تعطیلی موقت دانشگاه‌ها منجر گشت. بعد از این که دانشگاه‌ها باز شدند دانشجویان چپ و همین اساتید چپ و سکولار، پاکسازی شده بودند و در آن سال‌ها، دانشجویان طرفدار نهضت آزادی و جبهه ملی و مسلمان در دانشگاه‌ها فعال بودند که همگی در تحکیم حکومت اسلامی تلاش می‌کردند.

این مسایل و همچنین جنگ ایران و عراق، سبب شد طی بازگشایی مجدد دانشگاه‌ها و با توجه به فضای امنیتی ایجاد شده از جمله به دلیل جنگ، فعالیت‌های سیاسی دانشجویان مستقل بسیار محدود گردید و این وضعیت تا پایان جنگ ادامه یافت.

در هر صورت جنبش دانشجویی نقش مهمی در پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ ایفا کرد. اکنون چهل و سه سال از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ گذشت. رویداد دوران‌سازی که تمامی عرصه‌های کشور را در نور دیده و با تغییر مسیر تاریخ ایران، تأثیرات مخربی در حوزه علمی و رشد تکنولوژی و غیره داشته است. یکی از این حوزه‌ها جنبش دانشجویی است که به‌عنوان

بخشی از مجموعه بزرگتر دانشگاه تحولات و در عرصه‌های گفتمانی، سیاسی و درون ساختاری ژرفی را از سر گذرانده است.

پیش از انقلاب در حدود ۴۰ دانشگاه و مراکز آموزش عالی در کشور وجود داشت که عمدتاً در کلان شهرها متمرکز شده بودند. جمعیت دانشجویی داخل کشور در آستانه انقلاب در حدود ۱۷۰ هزار نفر بود. اگرچه آمار دقیقی وجود ندارد اما تخمین زده می‌شود جمعیت دانشجویی ایران در اروپا، آمریکای شمالی، هند، شوروی و آسیای شرقی در آستانه انقلاب نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر بوده است که ۵۶ هزار نفر از آن در کشور آمریکا تحصیل کرده و اکثراً در مقطع تحصیلی کارشناسی بودند. بدین‌ترتیب ۳۷ درصد جمعیت دانشجویی ایران پیش از انقلاب در دانشگاه‌های خارجی تحصیل می‌کردند.

اما ساختار توزیع دانشجویی در ایران بعد از انقلاب با تغییرات کیفی و کمی گسترده‌ای مواجه شد. بعد از پیروزی انقلاب دانشگاه ابتدا حالت نیمه تعطیل داشت و فعالیت‌های سیاسی دانشجویان و دانشگاهیان و حضور گروه‌های سیاسی در دانشگاه به حدی گسترده شده بود که فعالیت متعارف دانشگاه مختل شده بود. موج اول تصفیه اساتیدی که متهم به همکاری با حکومت شاه و ساواک و دیدگاه‌های ضد انقلابی بودند، نیز به نوبه خود وضعیت دانشگاه را غیر عادی ساخته بود. آغاز سال تحصیلی ۱۳۵۸-۵۹ شرایط را کمی بهتر کرد اگرچه هنوز اوضاع تحت‌الشعاع انقلاب بود و منظم نشده بود. ولی در ترم دوم تحصیلی سال یادشده انقلاب فرهنگی رخ داد و دانشگاه برای دو سال کاملاً تعطیل شد. هزاران استاد و دانشجو مشمول تصفیه‌های سیاسی و ایدئولوژیک شدند و از تدریس و تحصیل محروم شدند. بخشی نیز زندانی و اعدام شدند و یا به خارج کشور گریختند.

ولی از سوی دیگر افزایش جمعیت کشور رقابت برای ورود به دانشگاه‌ها را افزایش داد. تأسیس دانشگاه آزاد و رشد سریع آن نیز فضا را تغییر داد به‌گونه‌ای که بخش زیادی از جوانانی که به دلیل عدم موفقیت در ورود به دانشگاه‌های داخل در گذشته راهی خارج می‌شدند و ظرفیت چندانی نیز برای تحصیل پولی در داخل کشور وجود نداشت اینک در داخل کشور می‌توانستند در دانشگاه آزاد تحصیل کنند. توسعه نظام دانشگاهی دولتی (رایگان) و تأسیس دانشگاه‌های جدید در کشور هم باعث رشد گسترده و سریع کمی دانشجو در کشور شد و هم عملاً جمعیت دانشجویی شاغل به تحصیل در خارج از کشور را به شدت کاهش داد. همچنین مراکز جدید دانشگاهی و جمعیت دانشجویی آن‌ها فضای شهرها را نیز تغییر دادند و به دلیل اثرگذاری بر خانواده‌ها و شبکه‌های روابط در محله‌ها، عمق و برد اجتماعی جنبش دانشجویی را گسترش دادند.



در حکومت اسلامی بعد از چهل سال، تعداد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در کشور را به ۲۴۱۶ مجموعه رسیده بود که توزیع آن بشرح زیر است:

وزارت خانه‌های علوم و بهداشت: ۱۴۱، دانشگاه پیام نور: ۴۶۶، دانشگاه علمی و کاربردی: ۹۵۳، موسسات آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی: ۳۰۹، دانشگاه آزاد اسلامی: ۵۳۰ و دانشگاه فنی و حرفه‌ای ۱۷۰.

در حال حاضر جمعیت دانشجویی در داخل کشور در حدود ۴ میلیون نفر و آمار دانشجویان شاغل به تحصیل در خارج از کشور نزدیک به ۶۰ هزار نفر است. همچنین باید توجه داشت در سالیان اخیر دانشگاه‌ها با چالش‌های خالی نیز مواجه بوده‌اند و به دلیل کاهش تمایل به حضور در تحصیلات دانشگاهی از سوی دانش‌آموختگان دبیرستانی تقاضا برای تحصیل در برخی از رشته‌ها کمتر از ظرفیت‌های موجود است. دیگر تغییر کیفی چشمگیر افزایش درصد دانشجویان دختر از ۶ درصد در پیش از انقلاب به ۴۵ درصد در روندی تدریجی و فزاینده در بعد از انقلاب است.

تیر ماه ۱۳۷۸ که بر بستر فضای اصلاح‌طلبی بعد از دو خرداد شکل گرفت و با اعتراض به بستن روزنامه سلام و سرکوب کوی دانشگاه در ۱۸ تیر ۷۸ خود را نشان داد. سال ۱۳۸۲ که بر بستر مبارزات و رشد یابی اندیشه چپ بعد از سال‌های سرکوب دهه شصت نشان داد و اوج آن در حرکت‌های روز دانشجو در ۱۶ آذر و ۱۳ آذر سال‌های ۸۵ و ۸۶ و اعلام حضور تشکل مستقل دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب و سایر جریانات دانشجویی چپ به‌عنوان گرایش غالب دانشگاه‌ها بود.

اعتراضات دانشجویی ۱۸ تیر ماه ۱۳۷۸، به‌عنوان اولین اعتراض گسترده خیابانی در پایتخت پس از اعتراضات خرداد ۱۳۶۰، به سرعت به خاک و خون کشیده شد. نیروهای امنیتی با حمله به دانشجویانی که به بسته شدن روزنامه‌ی «سلام» معترض بودند، خوابگاه‌های کوی دانشگاه را ویران و دانشجویان را به شدت ضرب و جرح کردند. صدها تن بازداشت و زخمی شدند. دست‌کم یک نفر به نام «عزت‌الله ابراهیم‌نژاد» کشته و یک نفر دیگر «سعید زینالی» پس از بازداشت ناپدید شد.

فعالیت‌های دانشجویی در این دوره حول محور انجمن‌های اسلامی سازمان‌دهی می‌شد. اما انجمن‌های اسلامی دیگر آن انجمن‌های دهه شصت و حتی اوایل دهه ۷۰ نبودند. دفتر تحکیم وحدت به‌عنوان «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های سراسر کشور»، بیش از پیش از حکومت فاصله گرفته بود و نقش مهمی در پیش‌برد اصلاحات داشت. از سوی دیگر، بسیاری از فعالان دانشجویی لیبرال، ملی-مذهبی و چپ که اجازه‌ی تاسیس گروه‌های مستقل دانشجویی نداشتند به فعالیت در انجمن‌های اسلامی روی آورده بودند. حضور این بخش از دانشجویان که حتی با دولت اصلاحات نیز مرزبندی‌های مشخصی داشتند، فضای دفتر تحکیم وحدت را تغییر داده بود. در چنین شرایطی بود که گروهی از اعضای این اتحادیه دانشجویی که با عنوان «طیف علامه» از آن‌ها یاد می‌شد، با اعتقاد به بنیست اصلاحات، در برابر آن بخش از دفتر تحکیم قرار گرفتند که همچنان از اصلاحات و دولت اصلاح‌طلب خاتمی حمایت می‌کرد.

«شوراهای صنفی دانشجویان» که از سال ۱۳۷۷ آغاز به کار کرده بودند، یکی دیگر از نهادهای دانشجویی بودند که در آن دوره فعال بودند. اما چنان‌که مهدیه گلرو، نایب دبیر سابق انجمن اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی، می‌گوید این شوراهای صنفی در سایه قرار داشتند: «در دهه هشتاد تسلط گفتمان کلان سیاسی خواسته‌های صنفی را تحت تأثیر خودش قرار می‌داد و دانشجویان، آن‌ها را نیز در همان چارچوب‌های سیاسی تعریف می‌کردند. در هر دانشگاهی، اگر انجمن اسلامی قدرت داشت، شورای صنفی حتی برای خواسته‌های صنفی مثل پایین بودن کیفیت غذا هم با انجمن اسلامی هماهنگ می‌کردند و مطالبات صنفی زیر سایه‌ی هژمونی سیاسی بود.»

حمله شدید و خشونت‌بار نیروهای لباس شخصی به کوی دانشگاه تهران و خوابگاه طرشت دانشگاه علامه طباطبایی در خرداد ۱۳۸۲ یکی از این نمونه‌ها است. تجمع دانشجویی که ۲۰ خرداد ماه در اعتراض به خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها شکل گرفته بود، با حمله نیروهای لباس شخصی به سرعت به خشونت کشیده شد.

لباس شخصی‌ها با قمه و زنجیر و چماق به خوابگاه‌های دانشجویان هجوم بردند و ویرانی‌ها کم از وقایع ۱۸ تیر کوی دانشگاه نداشت. بنا به آنچه رسانه‌ها گزارش دادند و برخی دانشجویان نیز روایت کرده‌اند، نیروی انتظامی با وجود حضور در محل، نقش چندانی در مقابله با حملات به دانشجویان نداشت. نه تنها شماری از دانشجویان مجروح شدند و خوابگاه‌هایشان به شدت آسیب دید، بلکه تعداد زیادی از آنان بازداشت شدند. در چنین شرایطی، دامنه اعتراضات به دانشگاه‌های شهرهایی نظیر مشهد، اهواز، اصفهان و شیراز نیز کشیده شد و به عرصه‌ای برای اعتراض به وضعیت کلان سیاسی کشور تبدیل شد.

پس از نخستین سال‌های پیروزی انقلاب ۵۷ و سرکوب خشونت‌بار دانشجویان چپ، این اولین بار بود که گروهی از دانشجویان چپ و سوسیالیست به صورت علنی، فعالیت خود را در دانشگاه آغاز کردند. چند ماه بعد، در اسفند ۱۳۸۲، اولین شماره‌ی نشریه «خاک»، یکی از اولین نشریات دانشجویی که به طور مشخص و متمرکز از سوی دانشجویان چپ‌گرا منتشر می‌شد - آغاز به کار کرد. کاوه عباسیان، عضو سردبیری این نشریه، می‌گوید: «شماره اول خاک حدود یک‌هزار نسخه فروش داشت. شماره‌های بعدی به دانشگاه‌ها و شهرهای دیگر هم فرستاده شد و حتی در برخی کارخانه‌های کردستان هم پخش می‌شد.»

در پاییز ۱۳۸۳، حدود ۱۰ نشریه چپ در دانشگاه‌های تهران منتشر می‌شدند. خرداد ۱۳۸۵، اولین جرقه‌های تشکیل گروهی مشخص با ایده‌های چپ‌گرا در بین گروهی از دانشجویان شکل گرفت. اخراج برخی اساتید دگراندیش دانشگاه و خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها به دور جدیدی از اعتراضات دانشجویی انجامیده بود. جمعی از دانشجویان چپ رادیکال که در سال‌های پیش حول نشریات دانشجویی‌شان جمع می‌شدند، تصمیم گرفتند که تحت نام «دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب دانشگاه‌های تهران» فعالیت کنند. این دانشجویان با انتشار بیانیه‌ای با عنوان «دانشگاه پادگان نیست» اعتراض خود را نسبت به دخالت‌های حکومت در دانشگاه اعلام کردند. این دانشجویان به شدت سرکوب شدند و بیش‌تر آن‌ها مجبور شدند راهی خارج کشور شوند.

تأثیر جنبش‌های دی‌ماه سال ۱۳۹۶ و آبان سال ۱۳۹۸ بر جنبش دانشجویی حائز اهمیت بود. در دی ماه ۹۶ شعارهایی از طرف دانشگاه مثل شعار «اصلاح‌طلب، اصول‌گرا دیگه تمام ماجرا» سر داده شد. اما در آبان ۹۸ این خود اعتراضات مردمی بود که بیش‌ترین تأثیر را بر جنبش دانشجویی داشت.

سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در شرایطی آغاز می‌شود که پیش از این، از اسفند ۱۳۹۸ تا اوایل سال جدید، دانشگاه‌ها به دلیل و یا بهتر است بگوییم به بهانه کرونا تعطیل شدند. حالا و هم‌زمان با پایان یافتن دوره دوساله تعطیلی دانشگاه‌های سراسر کشور (به استثنای دانشگاه‌های علوم پزشکی که در دوران کرونا هم کاملاً تعطیل نشدند) و هم‌زمان با حضوری شدن دانشگاه‌ها، اعتراضات باشکوهی علیه فضای سرکوب و حمله حراست (حراست بازوی سرکوب) به دانشجویان معترض در دانشگاه علم و صنعت و علامه تهران انجام شدند. همچنین ده‌ها دانشگاه علوم پزشکی کشور در اعتراض نسبت به مسائل و مشکلاتی از قبیل عدم پرداخت دستمرد و حقوق اقتصادی و منزلت انسانی دانشجویان، تجمعات اعتراضی برگزار کردند. در دانشگاه شریف هم دانشجویان نسبت به مسائل صنفی و وضع بد سلف سرویس تجمع اعتراضی برگزار کردند.

دانشجویان در حرکت‌های بزرگتری به اسم خیابان و جامعه از جمله معترضین در فاجعه متروپل، اعتراضات علیه حجاب اجباری تحت عنوان حجاب بی‌حجاب و همین‌طور اعتراض علیه بی‌آبی در شهرهای مختلف کشور، فعالانه دوشادوش سایر بخش‌های جامعه حضور فعالی داشتند.

حکومت نیز عریان‌تر از هر زمان دیگری شمشیر را در سرکوب هرچه شدیدتر مردم از رو بست. از نویسنده و معلم گرفته تا بازنشسته و فعالین جنبش انقلابی زنان و دانشجویان و کارگران فعال را با خصمانه‌ترین اتهامات ممکن بازداشت کرد؛ ماه‌ها در انفرادی و بازداشت موقت و تحت شکنجه‌های روانی نگاه داشت و از این طریق بار دیگر اثبات کرد که هر حق‌طلبی را تنها با سرکوب پاسخ خواهد داد.

در این فضا اما جنبش‌های اعتراضی نه تنها مرعوب نشدند، بلکه نسبت به همین بازداشت‌های ظالمانه اعتراض کردند. بازنشنگان، معلمان، کارگران، دانشجویان و زنان با پشتوانه اجتماعی در تمام جامعه، همگام با پیش‌برد اعتراضات تا جایی که مقدور و ممکن بود؛ شروع به اعتراض نسبت به این احکام ظالمانه کردند. برخورد با فعالین مختلف با برگزاری طوفان تویبتری و صدور بیانیه رو به مجامع بین‌المللی پاسخ گرفت و هر روزه توجه صدها هزار نفر به فعالین در بند جلب شد، تا تحت این فشار و البته ایستادگی شجاعانه فعالین، حکومت نتواند سناریوهای دروغین خود را به خورد جامعه بدهد.

جنبش دانشجویی ایران گام به گام و در شرایط بسیار سختی هم مطالبات صنفی خود را پیش برده و هم در جنبش‌های مردمی در خیابان‌ها حضور یافته است.

تا زمانی که خمینی زنده بود از سال ۱۳۶۴ تا زمان فوت او، جو غالب در دانشگاه‌ها دست دانشجویان خط امامی بود که خود را حزب‌الله می‌نامیدند؛ دانشجویان عمدتاً با نیروهای خط امام خارج از دانشگاه ارتباط داشتند و از آنها خط می‌گرفتند؛ بنابراین در واقع به‌طور مشخص ما تا سال ۷۶، یعنی بعد از دوم خرداد در داخل دانشگاه چیزی به اسم جنبش دانشجویی که در واقع بخواهد نماینده بخشی از افکار روشنفکری در خارج از دانشگاه باشد روبه‌رو نیستیم. خود دو جناح سیاسی با هم درگیر بودند و بخشی از این سیاست هم در درون دانشگاه‌ها بین انجمن‌های اسلامی نفوذ داشتند. در ابتدای دهه ۸۰ مجموعه دفتر تحکیم وحدت در دانشگاه‌های نفوذ بیشتری داشت.

جنبش دانشجویی که نقش مهمی در پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ داشت، پس از استقرار حکومت اسلامی در ایران از سوی حاکمان جدید نیز تحمل نشد. تا این که در سال ۱۳۵۹ پس از نطق روح‌الله خمینی، بنیان‌گذار حکومت اسلامی، مبنی بر ضرورت انقلابی‌شدن دانشگاه‌ها، سرکوب حرکت‌های دانشجویی شدت گرفت. سرانجام در تابستان ۱۳۵۹ با صدور دستور انقلاب فرهنگی از سوی خمینی، دانشگاه‌های سراسر کشور تعطیل شدند. سه سال بعد، دانشگاه‌ها پس از اخراج هزاران دانشجو و صدها تن از استادان دانشگاه بازگشایی شد. در سال‌های بعد نیز با قوانین سفت و سخت گزینش، بسیاری از جوانان از ورود به دانشگاه و ادامه تحصیل محروم شدند.

در دهه شصت بسیاری از دانشجویان که به علت فقدان فضای فعالیت در دانشگاه به سازمان‌ها و احزاب سیاسی پیوسته بودند، بازداشت و اعدام و یا مجبور به ترک کشور شدند. در داخل دانشگاه‌ها نیز فقط گروه‌هایی همچون انجمن‌های اسلامی و جهاد دانشگاهی که حمایت حکومت را پشت سر خود داشتند، اجازه فعالیت در چارچوب‌های محدود، از پیش تعیین‌شده و سازگار سیاست‌های رسمی را داشتند.

موقعی که انقلاب پیروز شد تعداد دانشجویان کل کشور ۱۸۰ هزار نفر بود الان تعداد دانشجویان حدود ۴ میلیون است یعنی جمعیت تقریباً دو برابر و نیم شده ولی تعداد دانشجویان تقریباً بالای ۲۴ برابر شده است.

در پایان ضرورت دارد تاکید شود که سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در شرایطی آغاز می‌شود که پیش از این، از اسفند ۱۳۹۸ تا اوایل سال جدید، دانشگاه‌ها به‌دلیل و یا بهتر است بگوییم به بهانه کرونا تعطیل شدند. حالا و هم‌زمان با پایان یافتن دوره دوساله تعطیلی دانشگاه‌های سراسر کشور (به استثنای دانشگاه‌های علوم پزشکی که در دوران کرونا هم کاملاً تعطیل نشدند) و هم‌زمان با حضوری شدن دانشگاه‌ها، اعتراضات باشکوهی علیه فضای سرکوب و حمله

حراست (حراست بازوی سرکوب) به دانشجویان معترض در دانشگاه علم و صنعت و علامه تهران انجام شدند. همچنین ده‌ها دانشگاه علوم پزشکی کشور در اعتراض نسبت به مسائل و مشکلاتی از قبیل عدم پرداخت دستمرد و حقوق اقتصادی و منزلت انسانی دانشجویان، تجمعات اعتراضی برگزار کردند. در دانشگاه شریف هم دانشجویان نسبت به مسائل صنفی و وضع بد سلف سرویس تجمع اعتراضی برگزار کردند.

اعتراضات ذکر شده تنها بخش کوچکی از نارضايتی و آتش زیر خاکستر جنبش دانشجویی بودند. دانشجویان در بستر بزرگتری به اسم خیابان و جامعه از جمله معترضین در فاجعه متروپل، اعتراضات علیه حجاب اجباری تحت عنوان حجاب بی‌حجاب و همی‌نطور اعتراض علیه بی‌آبی در شهرهای مختلف کشور، فعالانه دوشادوش سایر بخش‌های جامعه حاضر بودند.

اکنون شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران نیز در آستانه ۵ اکتبر و «روز جهانی معلم» با صدور بیانیه‌ای فرهنگیان سراسر کشور را به یک اعتصاب سراسری در روز سه‌شنبه ۱۲ مهرماه جاری دعوت کرد. شورای هماهنگی در فراخوان خود از معلمان و دانش‌آموزان خواست تا در روز ۱۲ مهرماه با اعتصاب در مدرسه و خودداری از کلاس رفتن، همبستگی و همراهی خود را با همه معترضان جان به لب آمده، نسبت به بی‌عدالتی‌های حاکمیت نشان دهند. این دومین فراخوان اعتصاب فرهنگیان از ابتدای شروع اعتراضات است. اعتصاب اول در روزهای دوشنبه چهارم و چهارشنبه ششم مهر برگزار شده است.

اعتراض‌ها علیه حکومت اسلامی روزبه‌روز گسترده‌تر و شعارهای معترضین رادیکال‌تر می‌گردد و مردم به‌ویژه دختران و پسران جوان در خیابان‌ها، دانشجویان در دانشگاه‌ها، دانش‌آموزان در مدارس، کارگران و کارمندان در محل کار خود با مقاومت و جان‌فشانی‌های تحسین‌برانگیزی در حاکمیت اعتراض و اعتصاب و یا سازمان‌دهی حرکت‌های بعدی خود هستند.

زندانیان زن در زندان اوین اعلام کرده‌اند: در همراهی به پا خواستگان و در اعتراض به کشتار و خشونت و بازداشت وسیع و شکنجه معترضان و حمایت از اعتصاب، تحصن و تجمعات خیابانی، امروز در تاریخ ۱۴۰۱/۷/۱۱ در بند زنان اوین و در حصار دیوارها و در پشت میله‌های آهنین به تحصن می‌نشینیم.

دانشجویان با امیدواری و دید مثبت و با تجارب تآکنونی خود و سایر جنبش‌ها در خیزش اخیر حضور فعال‌تری دارند و سایر جنبش‌های اعتراضی را همچون گذشته همراهی می‌کنند. البته این اعتراض‌ها به‌صورت حویبارهایی راه افتاده‌اند که اکنون در حال پیوستن به همدیگر هستند و در این راه می‌توانیم از تجارب تآکنونی مبارزات جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش محیط زیست، جنبش خلق‌های تحت ستم سراسر ایران، دانش‌آموزان و معلمان و والدین دانش‌آموزان، بازنشستگان نیز بهره جست. در راستا علاوه بر تشکیل نهادهایی همچون شورای محلات و محیط کار، همچنین می‌توان نهادی مستقل و سراسری دانشگاه‌های کل کشور را تاسیس کرد که فعالانه مشغول سازمان‌دهی سراسری دانشجویان باشد.

به این ترتیب، تمام شواهد نشان می‌دهد اعتراض‌هایی که به دنبال قتل «ژنا امینی» به‌دست ماموران گشت ارشاد حکومت اسلامی از شهر سقز آغاز شد و به سرعت به سراسر ایران و حتی جهان نیز کشیده شد، اکنون این احتمال وجود دارد که به زودی، جامعه ایران و جهان شاهد فروپاشی حکومت اسلامی خواهد شد!

دوشنبه یازدهم مهر - میزان - ۱۴۰۱ - سوم اکتوبر ۲۰۲۲

ضمیمه:

* بیانیه «دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان» خطاب به «تشکیلات و گروه‌های معترض دانشجویی با هدف همبستگی سراسری دانشجویان ایران»:

تنها اقداماتی می‌توانند موثر باشند که دو مشخصه اساسی را که در ادامه نام می‌بریم، دارا باشند؛ اولی یک هسته ساختارمند و منضبط و دومی توانایی تحت تأثیر قرار دادن طیف وسیعی از افراد. با تکیه بر همین الگو، ما دانشجویان پیشرو نیز معتقدیم که برای توفیق در ایجاد تغییر در جامعه، باید بتوانیم یک ساختار سیاسی قدرتمند، اما متکثر و اجتماعی مبتنی بر اعتماد طیف وسیعی از دانشجویان در سراسر کشور را به وجود بیاوریم.

بدیهی است که شرایط سرکوب در دانشگاه‌ها، اجازه فعالیت کاملاً علنی به‌نام دانشجویان پیشرو را ناممکن کرده، اما ما طی سال‌های فعالیت خود، اثبات کردیم که می‌شود ساختارمند و مستقل از حکومت بود و تأثیر اجتماعی هم گذاشت. حالا زمان آن رسیده که این قبیل اقدامات، در سطح تمام دانشگاه‌های کشور گسترش پیدا کند و گروه‌های معترض دانشجویی را تحت هر نامی که ممکن است به وجود بیاوریم.

فراخوان ما رو به‌هر دانشجوی معترضی که می‌خواهد ایجاد تغییر کند، از نظر سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی از وضع موجود بیزار است و می‌خواهد به آن خاتمه بدهد، این است که گروهی از دانشجویان را حول اقدامات و خواسته‌های واقعا موجود در جامعه سازمان بدهد و مجری سیاست‌های کلی دانشجویان پیشرو در دانشگاه خود باشد.

همه دانشجویان معترض و رادیکال باید بدانند که در پیمودن این راه تنها نیستند و قطعاً در این مسیر، ما نیز از نفوذ اجتماعی و سیاسی خود و البته تجربیات خود استفاده خواهیم کرد تا پیمودن راه پرفراز و نشیب مبارزه را کمی هم که شده، ساده سازیم.

اقدامات سیاسی و سازماندهی برای سال تحصیلی پیش رو، جنبش دانشجویی به مثابه یک تن واحد:

وضعیت دانشجویان و جنبش دانشجویی به شکلی نیست که با تحقق یک یا دو مطالبه مشخص، بتوانیم بگوییم که به هدف رسیده‌ایم. هیچ مطالبه‌ای هم مورد استقبال مسئولین دانشگاه‌ها قرار نمی‌گیرد؛ چرا که اساساً عموم خواسته‌های دانشجویان از مسائل صنفی و رفاهی گرفته تا مسائل اجتماعی و سیاسی، در تضاد کامل با منافع و خواسته‌های مسئولین دانشگاه است.

از همین رو، برای گرفتن حَقمان، تنها راه این است که خود آن مطالبات و خواسته‌ها را به‌سردر جنبش دانشجویی بچسبانیم و اعلام کنیم تا زمانی که تمام این خواسته‌ها محقق نشوند، از هر ابزار ممکن برای اعتراض نسبت به وضع موجود استفاده می‌کنیم. چه اعتصاب سراسری و حاضر نشدن در کلاس‌های درس و دانشگاه باشد، چه برگزاری تجمع اعتراضی.

این خواسته‌ها عبارت‌اند از:

- امکان ایجاد قانونی تشکل‌های سیاسی مستقل از حکومت در دانشگاه‌ها، تأمین امنیت اعضای این تشکل‌ها و قائل شدن حق نقد و اعتراض نسبت به هر پدیده‌ای که مورد نقد ما باشد.

- تحصیلات باید در تمام مقاطع رایگان و باکیفیت باشد، دانشگاه‌های کشور باید مطابق با امکانات روز دنیا نوسازی و بهسازی شوند. خوابگاه‌های دانشجویی باید تبدیل به محیط‌هایی شاد و آرام شوند.

- آزادی تمام دانشجویان و اساتید جرائم سیاسی در بند، بازگشت به تحصیل تمام دانشجویان و اساتید اخراجی به دلایل امنیتی و همچنین رفع هرگونه آزمون ایدئولوژیک در دانشگاه‌ها (به‌خصوص دانشگاه معلمان و برای دانشجو معلمان) چه برای ثبت نام دانشجویان و چه استخدام اساتید و کارکنان

- حذف و یا اختیاری اعلام کردن هرگونه محتوای بی‌ربط به رشته‌های تحصیلی؛ محتوای کتاب‌های درسی و واحدهای درسی تنها توسط اساتید و کارشناسان آن حوزه مشخص باید تعیین شود.
- امکان برگزاری اجتماعات علمی و غیر علمی، دورهمی‌ها و فعالیت‌های غیردرسی در دانشگاه‌ها توسط نهادهای کاملاً دانشجویی در محیط دانشگاه.
- تخصیص بودجه برابر به نهادهای سیاسی و اجتماعی حاضر در دانشگاه‌ها. قطع اختیارات بسیج، دانشجویان عدالت‌خواه و ارگان‌های وابسته حکومتی که سعی در سرکوب جنبش مستقل دانشجویی دارند.
- الغای کامل هرگونه تبعیض قومیتی، جنسیتی، عقیدتی، ملیتی و ... در دانشگاه‌ها؛ وضعیت دانشجویان با هر گرایش جنسی باید به سطح عالی بهبود یابد و هرگونه اقدام به این قبیل تبعیض‌ها جرم‌انگاری شود. حجاب اجباری باید لغو شود و پوشش اختیاری جایگزین آن گردد.